

## دوره کتابخوانی هیلان

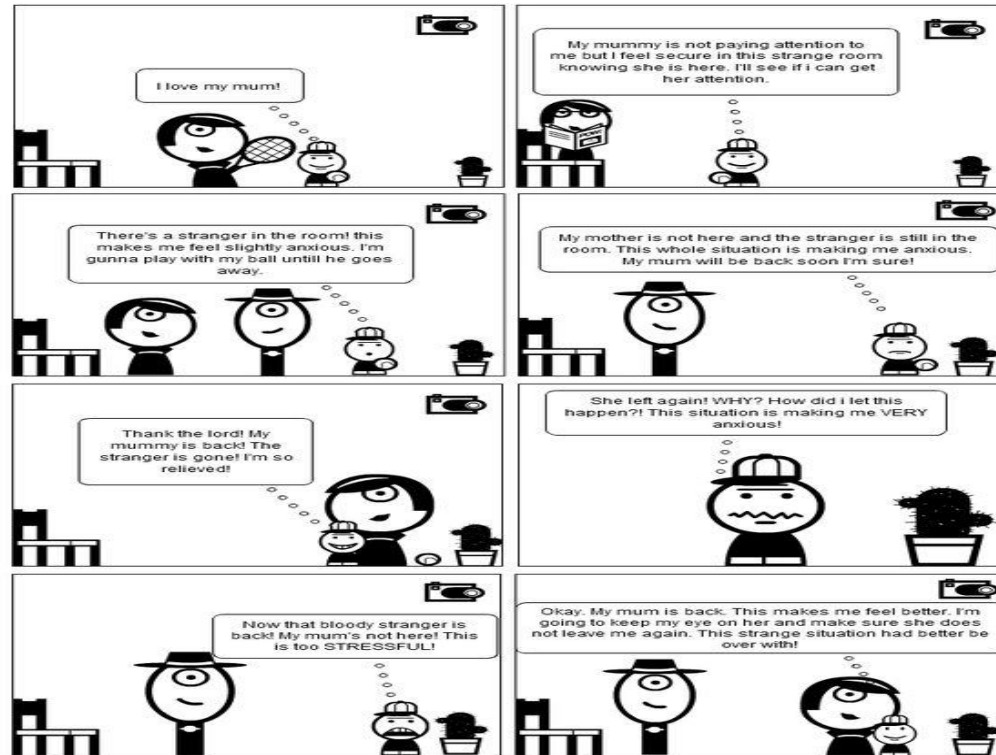
عنوان فصل: یافته های اصلی نظریه دلبستگی  
(فصل دوم)

نام و نام خانوادگی: منصوره اسدی

## مباحث فصل

- ارائه خلاصه جامعی از یافته های پژوهشی نظریه دلبستگی در طول سه دهه اخیر
- اکتشافات مربوط به تفاوت های فردی در رفتار دلبستگی نوزادان و بزرگسالان
- معرفی ابزارهای ارزیابی دلبستگی

# موقعیت غریبه (strange situation)



- مری اینزورث و همکاران (۱۹۷۸)
- روش ساده آزمایشگاهی برای مشاهده دلبستگی بین نوزاد ۱ تا ۲ ساله و مادر

مشاهده رفتار نوزاد و والد در هشت مرحله:

- (۱) ورود مادر و نوزاد به اتاق
- (۲) مادر بی آنکه در فرایند اکتشاف نوزاد دخالتی کند در اتاق حضور دارد
- (۳) غریبه وارد اتاق شده و با مادر وارد گفتگو می شود. سپس به نوزاد نزدیک می شود و والد به طور مشهودی اتاق را ترک می کند.
- (۴) اولین جدایی: غریبه با نوزاد رابطه برقرار می کند
- (۵) اولین بازگشت: والد وارد می شود و نوزاد را آرام می کند و دوباره اتاق را ترک می کند.
- (۶) دومین جدایی: نوزاد در اتاق تنها است
- (۷) در ادامه دومین جدایی: غریبه وارد می شود و با نوزاد رابطه برقرار می کند
- (۸) دومین بازگشت: والد وارد می شود، سمت نوزاد می رود، بغلش می کند و غریبه به طور مشهودی اتاق را ترک می کند.

- مشاهده رفتار نوزاد در طول دوره جدایی، تاکید بر رفتار او در زمان بازگشت مراقب
- طبقه بندی دلبستگی به ۴ دسته:
- دلبسته ایمن
- دلبسته اضطرابی اجتنابی
- دلبسته اضطرابی مقاوم/دوسوگرا
- دلبسته آشفته
- طبقه دلبستگی آشفته بعدها توسط اریک هسه معرفی شد

## نظام کسیدی و ماروین

- طبقه بندی مخصوص کودکان مهد و پیش دبستانی (۲/۵ تا ۴/۵ ساله)
- توصیف رفتارهای کودک در مرحله بازگشت مادر
- ایمن: آرام، گشوده، گرم و مثبت
- دوسوگرا: مجاورت جویی قوی اما بچه گانه
- اجتنابی: تقریبا گسسته (detach) و بی تفاوت، اجتناب از صمیمیت جسمی یا روان شناختی
- آشفته: کنترل کننده، گاهی اوقات رفتار تنبیه کننده و رفتارهای مخصوص نوزاد آشفته
- طبقه نامشخص: با هیچ یک از طبقات بالا قابل توصیف نیست.

## نظام های طبقه بندی دلبستگی در کودکان پیش دبستانی

- ارزیابی دلبستگی کودکان پیش دبستانی (کریتندن، ۱۹۹۲)
- طبقه بندی دلبستگی برای کودکان سنین مهدکودک (مین و کسیدی، ۱۹۸۸)

## مقیاس های مبتنی بر بازنمایی های نمادین

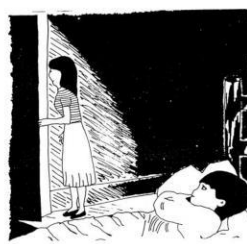
- مفروضه: برای کودکان ۵ سال و بالاتر از ۵ سال، مقیاس های رفتاری دلبستگی کاربرد اندکی دارد و محصولات نمادین کودک، شناخت دقیق تری از وضعیت سیستم کنترل کننده رفتارهای دلبستگی او به دست خواهد داد.



# آزمون اضطراب جدایی

## Separation Anxiety Test (SAT)

Ziegenhain, 1997 (nach Kaplan, 1987)



- ارائه مجموعه تصاویر ترسیم کننده صحنه های مربوط به دلبستگی (اسلاو و گرینبرگ، ۱۹۹۰)
- مواجهه کودکان ایمن با تصاویر مربوط به جدایی: به شیوه های ساختاریافته
- کودکان اجتنابی: سازگاری ظاهری با فقدان
- دوسوگرا: ترکیب خشم به والد با آرزوی راضی کردن والد
- آشفته: نمود ترس یا فرایندهای فکری سازمان نیافته و بدون جهت

- روش دیگر ارزیابی بر مبنای بازنمایی نمادین: بازی عروسکی شامل داستان هایی در مورد جدایی و بازگشت (برترتون و همکاران، ۱۹۹۰ و دیوید اوپنهایم و همکاران ۱۹۹۷ که بعدها توسط کارول جورج و همکارانش توسعه داده شد)
- پرکاربردترین مقیاس بازنمایی نمادین: آزمون اضطراب جدایی
- شواهد روزافزون در مورد کیفیت و اثربخشی روایت های داستانی تکمیل کننده در ارزیابی مدل کاری درونی کودکان ۵ تا ۷ سال (استیل، ۱۹۹۹).
- رویکرد پیچیده تر و برجسته تری توسط گرین و همکاران (۲۰۰۰) معرفی شد که جنبه خلاقانه اش تحریک عمدی نظام دلبستگی توسط آزمایش گراست
- ویژگی های روانسنجی رضایت بخش و رابطه قوی با طبقه دلبستگی مادر در مصاحبه دلبستگی بزرگسال

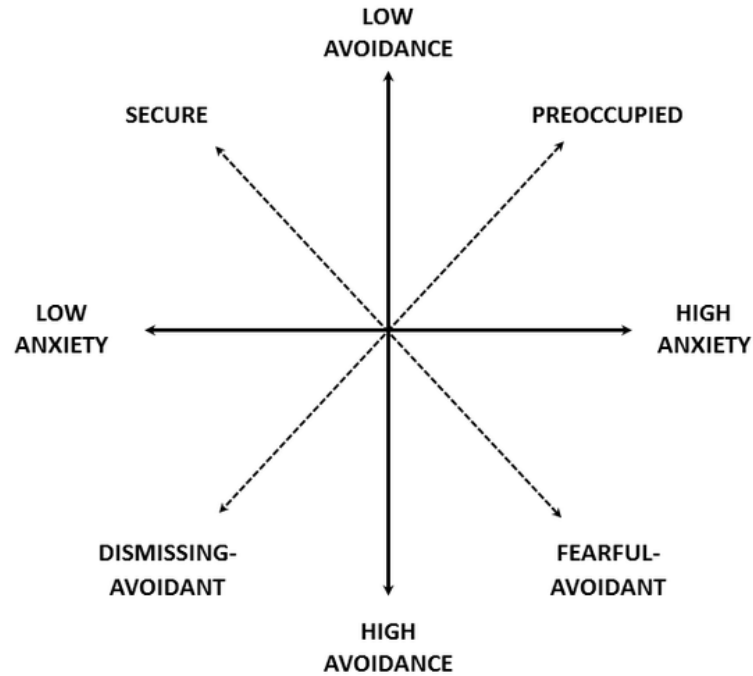
## مصاحبه دلبستگی کودک (CAI)

- مصاحبه دلبستگی بزرگسال به طور موفقیت آمیزی گسترش داده شد و گروه های سنی پایین تر را پوشش داد.
- یک مصاحبه رشدی و نظام کدگذاری مناسب برای کودکان ۸ تا ۱۴ ساله و قابل گسترش به کودکان ۶ تا ۷ ساله ای که ظرفیت کلامی بالایی دارند
- مصاحبه معتبر برای نوجوانان ۱۲ تا ۱۴ ساله
- نسخه اصلاح شده AAI با تغییرات رادیکال در دستورالعمل مصاحبه گر
- مصاحبه گر از کودک انتظار تولید روایت ندارد، تمرکز روی گذشته نیست بلکه روی رابطه کنونی کودک با والد است.
- نظام کدگذاری طبقه بندی ایمن نایمن را ارائه می دهد. معتبر و باثبات و ارتباط قوی با مصاحبه دلبستگی بزرگسال والدین

# Attachment Q-SORT

- روش جایگزین برای طبقه بندی رفتار کودک در آزمایشگاه یا بازنمایی های نمادینی که در آزمون های فرافکنی یا نیمه فرافکنی نمود می یابند، روش مشاهده واقعی رفتار کودک در خانه در طول یک بازه زمانی نسبتاً طولانی است (۲ تا ۶ ساعت در ملاقات های جداگانه) (پوسادا و همکاران، ۱۹۹۵، واترز و دین، ۱۹۸۵).
- نگرانی در مورد Q-SORT: سازه ای متفاوت با موقعیت غریبه را اندازه گیری کند.
- رابطه میان موقعیت غریبه و Q-SORT در بهترین حالت در حد متوسط. Q-SORT ممکن است حساسیت بیشتری نسبت به ابهام داشته باشد با این حال زیاد برای اندازه گیری دلبستگی مورد استفاده قرار می گیرد.

# مصاحبه دلبستگی بزرگسال (AAI)



- مقیاسی که از بین مقیاس های ارزیابی دلبستگی بزرگسال بیشترین میزان علاقه روانکاوان را جلب کرد.
- مصاحبه روایتی در مورد کودکی است که مشابه با روایتی است که ممکن است در طول ارزیابی رواندرمانی از بیمار گرفته شود.
- ویژگی خاص مصاحبه: حساسیت فوری و مداوم به مسائل کودکی -چیزی که ماری مین از آن تحت عنوان سوپرایز کردن ناهشیار یاد می کند.
- طبقه بندی پروتکل ها بر اساس نظام کدگذاری که به فرم روایت امتیاز می دهد.
- قلب این نظام اصل مشارکتی گریس در مورد گفتگوی منطقی است (کمیت، کیفیت، مربوط، سبک).
- روایت هایی که نمره انسجام بالایی می گیرند: افرادی که برای چیزی که می گویند مدرک ارائه می کنند، مختصر و روشن صحبت می کنند و مربوط به موضوع مورد بحث، واضح و بانظم حرف می زنند.
- ایمنی دلبستگی در نظام کدگذاری (طبقه خودمختار) بیشترین ارتباط را با انسجام بالا دارد

- طبقات نالیمن: نادیده انگار (آرمانی سازی و بی ارزش سازی دلبستگی)
- دلمشغول (عصبانی یا منفعل)
- حل نشده: در رابطه با فقدان یا سوءاستفاده.
- نادیده انگار و دلمشغول معادل اجتنابی و دوسوگرا.
- حل نشده: آشوب شناختی در بخش هایی از مصاحبه به ویژه زمان سوال در مورد فقدان یا سوءاستفاده، که معادل آشفته ی جهت نیافته در نوزادان است.
- به دلیل ظرفیت پیش بینی دلبستگی نوزاد از طریق مصاحبه AAI مادر حتی قبل از تولد نوزادش سریعاً سازگار شد.
- طبقات AAI در طول یک بازه ۲ ماهه باثبات بوده اند و عملکرد فرد در این مصاحبه مستقل از ظرفیت کلامی و ضریب هوشی، حافظه اتوبیوگرافیک، محبوبیت اجتماعی، تاثیرات مصاحبه گر و ویژگی های کلی گفتگو است.
- پیش بینی کننده حساسیت مادرانه اما نه به حدی که برای توضیح ارتباط آن با موقعیت غریبه کفایت کند.



## مصاحبه رابطه کنونی

- ارزیابی ایمنی یا نایمنی روابط دلبستگی کنونی (کراول و اوون، ۱۹۹۶).
- مصاحبه ایمن: آزمودنی بتواند رفتار پایگاه ایمن خودش و پارتنرش را به طور متقاعدکننده ای توصیف کند یا رفتار منفی پارتنرش را به شیوه منسجمی توصیف کند.
- مصاحبه های نادیده انگار: نایمنی همراه با آرمانی سازی
- مصاحبه های دلمشغول: نارضایتی توام با اضطراب
- مصاحبه های حل نشده: زمانی که رابطه عاشقانه تاثیر مخربی بر سازمان شناختی فرد دارد.
- رابطه ضعیف اما معنادار میان AAI و CRI

# مقیاس های خودگزارشی دلبستگی بزرگسال

- مقیاس های خودگزارشی تاریخچه دلبستگی: پرسشنامه تاریخچه دلبستگی (پوتارست، ۱۹۹۰)
- مقیاس دلبستگی والد و همسال (آرمسدن و گرینبرگ، ۱۹۸۷)
- پرسشنامه دلبستگی اجتنابی و دوجانبه (وست و سلدون-کلی، ۱۹۹۴)
- مقیاس های امنیت دلبستگی روابط رومانتیک : پرسشنامه سبک دلبستگی (هازان و شاور، ۱۹۸۷)
- پرسشنامه رابطه (بارتولومئو و هوروویتز، ۱۹۹۱)
- ابزارهایی که شامل توصیفاتی از نگرش کلی فرد نسبت به رابطه هستند و از آزمودنی خواسته می شود مشخص کند که کدام یک از توصیفات بیشترین همخوانی را با او دارند.
- توصیفات: شامل یک فرد ایمن، ترسو، دلمشغول و نادیده انگار
- پرسشنامه قدیمی تر: بارتولومئو و گریفین
- مرور این ابزارها توسط استین، کروول و همکاران

## تعیین کننده های ایمنی دلبستگی: نزدیک (اولیه) یا دور (ثانویه)

- تعیین کننده های نزدیک: تاثیر روی کیفیت رابطه مادر و نوزاد که اصولا شامل خلق و خوی نوزاد و حساسیت مادرانه است.
- تعیین کننده های دور: تاثیر روی تعیین کننده های اولیه و نزدیک
- مدل ضعیف و با دقت پایین: خلق و خوی نوزاد غالبا به عنوان عامل قدرتمندی در تعیین امنیت دلبستگی در نظر گرفته نمی شود.
- وان و بوست در توضیح شخصیت یا کیفیت روابط بین فردی نمی توان گفت که امنیت دلبستگی توسط خلق و خوی نوزاد از بین رفته است. در کل گزارش والد از خلق و خوی دشوار، واکنش پذیری منفی و هیجانی بودن مستقل از سبک ایمن/ناایمن است.

- مراقبت مادرانه نقش واضحی در امنیت دلبستگی دارد. به ویژه حساس بودن مادر، پاسخگو بودن به پریشانی و ناآرامی، تحریک متوسط مناسب، هماهنگی تعامل و گرمی، درگیر شدن و پاسخگویی همه به عنوان پیش بینی کننده امنیت دلبستگی عمل می کنند.
- دلبستگی اجتنابی: عموماً با مداخله کردن، تحریک کنندگی بیش از حد و سبک تعاملی کنترلگر با نوزاد پیش بینی می شود.
- دلبستگی دوسوگرا/مقاوم به نظر می آید با رویکرد مراقبتی غیرپاسخگو و درگیر شدن کمینه والد پیش بینی شود.

- میزان این ارتباطات نسبتاً کم است. متاآنالیز ۶۶ پژوهش که حدود ۴۰۰۰ جفت مادر-نوزاد را مورد مطالعه قرار دادند، اندازه تاثیر ۰/۱۷ را بدست داد.
- با محدود کردن دیتاست به ۳۰ مطالعه که به طور خاص تاثیر حساس بودن والد را اندازه گرفت، اندازه تاثیر به ۰/۲۲ افزایش یافت.
- به طور کلی این ادعا که حساسیت مادر یک پیش بینی کننده درجه اول امنیت دلبستگی است ظاهراً فاقد حمایت تجربی است.
- در نمونه خاص کودکان با خلق و خوی دشوار افزایش آزمایشگاهی حساسیت مادر باعث افزایش قابل توجه دلبستگی ایمن در نوزاد از میزان ۰/۲۸ به ۰/۶۸ شد. حداقل در این گروه نوزادان افزایش حساسیت مادر منافع قابل توجهی در احتمال دستیابی به دلبستگی ایمن دارد.
- حساس بودن والد ارتباط کمتر اما همچنان معناداری با دلبستگی ایمن به پدر دارد.
- مراقبان غیروالد نیز در صورت نشان دادن حساسیت در ارتباط با کودک به احتمال بیشتری به چهره دلبستگی ایمن تبدیل می شوند.
- اهمیت و دقت AAI در پیش بینی دلبستگی نوزاد

# انتقال بين نسلى ايمنى دلبستگى



## ثبات و تداوم رشدی دلبستگی

- بالبی معتقد بود که تفاوت در ایمنی دلبستگی مادر-نوزاد تأثیرات طولانی مدتی بر روابط صمیمانه بعدی، ادراک خود و مشکلات روانشناختی دارد.
- مفروضه نظری کلاسیک در مورد کهن الگو بودن دلبستگی مادر-نوزاد برای تمامی روابط بعدی

# آیا تداوم رشدی وجود دارد یا ...؟

- در بعضی مطالعات نسبت به سایرین این تداوم بیشتر دیده می شود مثلا مطالعه مینه سوتا که نوزادان ایمن بعدها توسط معلمان به عنوان افرادی بااعتماد بنفس بالاتر، سلامت هیجانی، احساس عاملیت، شایستگی و عاطفه مثبت تر گزارش شدند و این تا ده سالگی ادامه یافت.
- اما در تمامی مطالعات این نتایج تکرار نشده است. در تناقض با پیش بینی بالبی، طبقات ایمن، اجتنابی و مقاوم ارتباط قوی با اندازه گیری های بعدی ناسازگاری و عدم انطباق ندارند؛ فقط مقوله نوزادان آشفته/بدون جهت است که ظاهرا پیش بینی کننده معنادار مشکلات روانشناختی بعدی است (کارلسون، لیونزروث و همکاران).
- به طور کلی ارتباطاتی میان دلبستگی ایمن در نوزاد و ویژگی های شخصیتی مانند تاب آوری ایگو در بعضی از نمونه ها دیده شده و قابل پیش بینی بودن مشکلات رفتاری از طریق نایمینی ظاهرا توسط تجارب میانجی همچون تفاوت های جنسیتی، استرس، یا ظرفیت عقلانی کودک تعدیل می شود.



## ادعای نهایی

- ادعای نهایی: محیط ارتباطی اولیه نه به دلیل شکل دادن کیفیت روابط بعدی ما (که شواهد در این زمینه اندک است) بلکه به دلیل کمک به تجهیز شدن فرد به یک نظام پردازش ذهنی تولیدکننده بازنمایی های ذهنی از جمله بازنمایی های ارتباطی حیاتی است. شکل گیری این نظام بازنمایی مهم ترین کارکرد تکاملی دلبستگی به یک مراقب است. پذیرش این چشم انداز به تصحیح تعصب موجود در مورد مرکزیت خانواده بعنوان مهم ترین نیروی اجتماعی شدن کمک می کند و هم چنین تاکید بر بافت تجربه را به سمت ساختار روانشناختی یا مکانیزم ذهنی و ایده های کنونی در مورد کارکرد تکاملی دلبستگی تغییر می دهد.

## دلبستگی و آسیب روانی (دوران کودکی)

- در نمونه های کم خطر رابطه ای میان دلبستگی ناایمن در دو سال اول زندگی و مشکلات هیجانی یا رفتاری در اواسط کودکی دیده نشد.
- در جمعیت پرخطر، کودکانی که روابط ناایمن اولیه نشان دادند نسبت به نوسانات خلقی، روابط ضعیف با همسالان و نشانگان افسردگی و پرخاشگری تا قبل از نوجوانی مستعدتر بودند.
- مطالعات نشان می دهند که دلبستگی آشفته ممکن است عامل آسیب پذیری فرد نسبت به مشکلات روانشناختی بعدی در کنار عوامل خطر دیگر باشد.

# دلبستگی و آسیب روانی بزرگسالی

- دلبستگی ایمن بعنوان یک عامل مراقبتی و همبستگی با متغیرهای سالم تر شخصیتی
- دلبستگی ایمن به عنوان یک عامل خطر و همبستگی با آسیب های شخصیتی
- مطالعات اندک در زمینه رابطه سبکهای دلبستگی و اختلالات روانی
- مطالعات دوزیر نشانگر ارتباط سبکهای ناایمن غیرخودمختار به ویژه سبک حل نشده با اختلالات روانشناختی
- شواهدی در زمینه وقوع بیشتر علائم و بیماری های سایکوسوماتیک در افراد اجتنابی

## مشکلات ناشی از این مطالعات

- نادیده گرفتن همایندی در اختلالات محور یک dsm
- مستقل نبودن سیستم های کدگذاری از شرایط بالینی
- نظام های کدگذاری دلبستگی بزرگسال بی توجه به گروه های بالینی ایجاد شدند و در نتیجه معلوم نبودن اینکه آیا شدت اختلالات روانی ممکن است یک طبقه دلبستگی خاص را تحت تاثیر قرار دهد یا نه؟

# مطالعات مربوط به پیش بینی کنندگی سبک های دلبستگی در گروه های خاص تشخیصی

- بزرگسالان نادیده انگار نسبتا به درمان مقاوم اند و در بافت درمانی مقاومت نشان می دهند، درمان را نادیده میگیرند و به ندرت درخواست کمک می کنند
- بزرگسالان دلمشغول: ناتوانی در همراه شدن با زبان درمانگر و استفاده از حمایت او اما وابسته می شوند و مدام درمانگر را می جویند.
- مدل دوگانه سیدنی بلت و شباهت آن با طبقه بندی بالبی، اینزورث و مین
- دیالکتیک میان دو نیروی رشدی: نیاز به احساس در رابطه بودن و نیاز به احساس یک هویت خودمختار مستقل
- عدم تعادل این دو نیرو معادل اختلال
- مطالعات گاندرسون در مورد اختلال شخصیت مرزی از منظر دلبستگی

- طبقه بندی افسردگی در رویکرد دیالکتیکی بلت:
- طبقه وابسته (آناکلیتیک) و خودانتقادگر (درون‌گرایانه)
- افسردگی در شخصیت مرزی: احساس پوچی، تنهایی، ناامیدی در برابر چهره های دلبستگی، عواطف پراکنده و ناپایدار
- افسردگی در افراد بدون شخصیت مرزی: این جنبه ها رابطه منفی با شدت افسردگی دارند در حالی که در افراد با شخصیت مرزی علائم تقریباً همبستگی کاملی با شدت افسردگی دارند.
- پاسخ مقاوم افسرده های **introjective** نسبت به درمان کوتاه مدت و در مقابل عملکرد بهتر این افراد در روان درمانی بلندمدت
- عملکرد به طور معنادار بهتر بیماران با نیاز بالای تاییدجویی (نوع آناکلیتیک) در نیمه دوم درمان

# دلبستگی سازمان نیافته

- مین و هسه رفتار دلبستگی سازمان نیافته را با مراقبت ترسو/ترسناک مرتبط ساختند: نوزادان نمی توانند پارادوکس ترسناک/ترسو بودن والدی که به امید آرامش در زمان اضطراب و پریشانی به او نزدیک می شدند را حل کنند.
- ثبات در حد منطقی: ۰/۳۶، ثبات پایین ممکن است ناشی از افزایش سازمان نیافتگی در سنین ۱۲ تا ۱۸ ماهگی باشد. مشخص نیست که کدام متغیرهای سرشتی یا موقعیتی با دلبستگی آشفته در ارتباطند.
- کودکان با رفتارهای دلبستگی آشفته به طور معناداری سطح ترشح کورتیزول بالاتری در موقعیت غریبه دارند (هرتسگارد، اسپنگل و گروسمن).
- هورمون استرس در سطوح بالا می تواند سمی و منجر به آسیب هیپوتالاموس گردد. کودکانی که برای طولانی مدت (هشت ماه یا بیشتر) در یتیم خانه ماندند در ۴ سالگی آشفتگی بیشتری نشان دادند.
- الگوی متفاوت ترشح کورتیزول روزانه (اوج ترشح در اواخر صبح یا اوایل بعدازظهر)، ارتباط افزایش کورتیزول با نمرات رشدی در مقیاس بیلی.
- مطالعات حیوانی: مواجهه تکراری با سطوح بالای استروئیدهای چون کورتیزول منجر به تخریب واقعی ساختار مغزی می شود که ارگانیزم از طریق کمینه سازی واکنش به استرس و کاهش آزادسازی کورتیزول با آنها سازگار می شد.
- واکنش بیش از حد محور ANS منجر به واکنش نامنظم و بی سازمان ارگانیزم به استرسورهای بعدی می شود (گاهی واکنش بیش از حد، گاهی کمتر از حد و گاهی نرمال بدون هیچ نظم)

## دلایل و دوره دلبستگی سازمان نیافته

- ارتباط معنادار با عوامل خطرزای خانوادگی مانند بدرفتاری، اختلال افسردگی اساسی یا دوقطبی و سوءمصرف الکل یا مواد دیگر.
- ۸۲ درصد نوزادان بدرفتار در نمونه کم درآمد بعنوان دلبسته آشفته طبقه بندی شدند، در مقایسه با ۱۸ درصد گروه کنترل مشابه.
- ۹ مطالعه در ۵۴۸ جفت مادر-نوزاد، ارتباطی میان دلبستگی آشفته نوزاد و رویکرد حل نشده به فقدان یا سوءاستفاده در مصاحبه دلبستگی بزرگسال والد یافتند.
- اگر فقدان حل نشده قبل از ۱۷ سالگی مادر رخ داده بود، رفتار ترسناک/ترسو بارزتر بود. و چیز عجیب این بود که این مادران در شاخص های دیگری چون حساسیت و گرمی با سایر افراد نمونه فرقی نداشتند. مادران ناایمن و حل نشده به طور معنادار رفتار ترسو/ترسناک بیشتری در مقایسه با ایمن حل نشده نشان دادند.
- رفتار ترسناک/ترسوی مادرانه پیش بینی کننده دلبستگی سازمان نیافته نوزاد بود، اما پیش بینی کننده قوی تر رفتار تجزیه ای مادرانه در تعامل با کودک بود.



- رفتارهای ارتباطی-عاطفی مخرب و ترسو/ترسناک، ویژگی مادران نوزادان ناایمن آشفته بود. مادران نوزادان ناایمن آشفته در این مطالعه الگوی رفتاری هراس آور بازدارنده ای را نشان می دادند.
- ارتباط رفتارهای مادرانه ترسناک/ترسو با دلبستگی آشفته از طریق وضعیتهای ذهنی حل نشده
- نوزادان ناایمن آشفته ۲۰ ماهه تعارضات پرخاشگرانه ای را با مادران شان آغاز می کنند و از رفتارهای شروع کننده اجتماعی مادرانشان اجتناب می کردند. توافق کلی در مطالعات طولی و مقطعی وجود دارد که نوزاد ناایمن آشفته به رفتار دلبستگی کنترل گرانه در میانه کودکی تغییر می کنند.
- جورج و سولومون معتقدند که رفتار کنترلگرانه در کودک با حس درماندگی و ترس والد از کودک در ارتباط است.
- ارتباط با اسباب بازی در این کودکان با محتوای فاجعه آمیز، فانتزی های خشونت آمیز، درماندگی یا بازداری کلی است. این کودکان مهارت های عملیاتی کمتری را نشان می دهند.

# دلبستگی سازمان نیافته و پرخاشگری دوران کودکی

- سه مشکل بالینی خاص مرتبط با دلبستگی سازمان نیافته: پرخاشگری کودکی، تجزیه و خشونت در رابطه.
- رفتار پرخاشگرانه یک پیامد عادی دلبستگی سازمان نیافته
- دلبستگی آشفته یک عامل خطر کلی برای بدرفتاری
- مطالعه در مورد نقش دلبستگی در اختلالات سلوک از زمان کار بالبی با نوجوانان بزهکار

- فرایندهای دلبستگی در رشد کارکردهای روانشناختی یا مکانیزم هایی دخیلند که در سازمان دهی رفتار مناسب عامل کلیدی اند.
- مشکل در تنظیم هیجانی و مهارت های شناختی اجتماعی
- مشکلات جدی در زمین بازی و طرد فوری توسط همسالان
- ارتباط قوی شناخت اجتماعی با پس زمینه خانوادگی
- پرخاشگری طردشده نشانی از نقص اجتماعی - هیجانی (نقص در فرایند تنظیم هیجانی)

- پرخاشگری نشانگر ناتوانی در واکنش منعطف و راهبردمحور در موقعیت های برانگیزاننده هیجانی
- بدتنظیمی هیجانی کودک را مجبور به استفاده از پاسخ های محدود و سفت و سخت می کند که منجر به تخریب روابط بین فردی می شود. مشکلات اجتماعی ناشی از شکست در تنظیم هیجانات منفی شامل مشکل در اجرای تکالیف تنظیم کننده مثل تغییر توجه از محرک آسیب زا، فرونشانی واکنش های تکانشی، درگیر شدن در برنامه ریزی و مقابله مسئله محور، درگیر شدن در تفسیر بدون سوگیری و انحراف اطلاعات اجتماعی، اکتشاف محیط و کنترل و جهت دهی رفتار می شود.
- کودکان با سطوح بالای بیش فعالی تکانشی- بیتوجهی پرخاشگرانه سطوح قابل توجهی از ناتوانی سازگاری را نشان می دهند و این کودکان به احتمال بیشتری ملاک های تشخیصی اختلال نافرمانی مقابله ای و اختلال سلوک را نشان می دهند
- . مشکلات روابط بین فردی ناشی از مشکلات تنظیم هیجانات منفی است که احتمالاً مرتبط با دلبستگی آشفته است. هر نقصی در شناخت اجتماعی ممکن است بعنوان عامل تعدیل کننده اصلی تاثیر دلبستگی آشفته بر مدل های کاری درونی روابط عمل کند.

- تجربه مشکل در روابط اجتماعی ظرفیت ایجاد روابط عاطفی دلبستگی محور برای خنثی کردن تاثیر تجارب اولیه نامطلوب را از بین می برد.
- مطالعات نشانگر مشکل در تکلیف تئوری ذهن، تکلیف فهم هیجانات و تکالیف ساده عملکرد اجرایی.
- تفاوت میان متجاوزین کارآمد و ناکارآمد ممکن است در جلب توجه دیگران به نیاز این کودکان به ایجاد روابط حمایتی و تجارب یادگیری میان فردی متفاوت باشند که کارآمدها را به ظرفیت های رشدی فرایندهای تنظیم هیجانی مجهز می کند که به نوبه خود منجر به رفتار اجتماعی سازگارانه تر می شود.

## دلبستگی سازمان نیافته و تجزیه

- ارتباط مستقیم میان نشانه های تجزیه در ۱۷ ماهگی و دلبستگی آشفته در ۱۲ و ۱۸ ماهگی (کارلسون)
- ارتباط نشانه های تجزیه ای با تجربه فقدان در والدین (لیوتی)
- تایید این ارتباط در نمونه هسه و ون ایجنزندورن با استفاده از مقیاس خودگزارشی میل به تجزیه
- ارتباط میل به تجزیه با تجربه مرگ یک چهره دلبستگی قبل از ۵۴ ماهگی

## دلبستگی آشفته و خشونت در روابط

- ارتباط دلبستگی آشفته در بزرگسالی با وضعیت های ذهنی حل نشده، دلمشغول تروما یا غیر قابل تشخیص در مصاحبه دلبستگی بزرگسال
- رایج در افراد دچار آسیب های روانی مرتبط با ترومای شدید و افراد با محکومیت های جنایی
- افرادی که در حال حاضر درگیر روابط خشونت بار هستند و مادرانی که رفتار خشونت آمیز پارتنرشان را گزارش می کنند
- ارتباط قوی روابط دلبسته آشفته با آسیب های ارتباطی شدید که عموماً تحت عنوان سازمان شخصیتی بردرلاین در ادبیات روانکاوی توصیف می شود

# شاهراههایی از نوزادی به آسیب بزرگسالی

- دلیل علاقه روانکاوان به دلبستگی:

مدلی که دلبستگی برای ادغام تجارب اوایل کودکی با رشد بعدی به ویژه ظهور آسیب روانی ارائه می کند. شواهد قابل توجه در زمینه تداوم تجربه بین فردی از نوزادی به رشد بعدی.

ساده ترین مدل ارائه شده توسط لمب و بلسکی و تامپسون تداوم ساختارهای ذهنی را فقط به محیط اجتماعی به ویژه کیفیت مراقبت نسبت می دهد



- ارتباط قوی طول مدت محرومیت با آشفتگی دلبستگی، آشفتگی در روابط جفتی، بی توجهی/بیش فعالی و مشکلات شناختی (او-کونور و کرپنر)
- مطالعه وینی کات روی ۱۹ کودک مراکز مراقبتی (خانه های گروهی) در مقایسه با ۱۹ کودک در حال زندگی در خانه والدین از نظر میزان بیش فعالی/بی توجهی
- مکانیزم توضیح دهنده ثبات: ثبات در الگوی بازنمایی روابط و انتقال بین نسلی این الگوهای بازنمایی

- دلبستگی ممکن است تغییراتی در سازمان های نوروئی درگیر در آسیب روانشناختی بعدی ایجاد کند. مثلا ممکن است ظرفیت تنظیم هیجانی ایجاد شده در اوایل کودکی اساسا فرایندهای شرطی سازی ترس در آمیگدال و ارتباطات میان قشر پیش پیشانی و سیستم لیمبیک را تغییر دهد. شواهدی در مورد افزایش میزان ترشح کورتیزول و بازگشت با تاخیر به سطح پایه در افراد با دلبستگی آشفته وجود دارد.
- محتمل ترین واسطه گری دلبستگی ناایمن یا آشفته در ناسازگاری بعدی یا پیامد آسیب شناختی احتمالا از طریق ترکیبی از عوامل خطر رخ می دهد که هیچ کدامشان به تنهایی معنای بالینی ندارند